

زمینه‌های حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی اسرائیل در جمهوری آذربایجان

نویسندگان: داود رضایی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۱۹

صمد رفعت نژاد**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

چکیده

بدون شک مهم‌ترین راهبرد فعلی رژیم اشغالگر قدس تبعیت از راهبرد اتحاد پیرامونی در منطقه خاورمیانه است. این منطقه پس از پایان جنگ سرد دچار تغییرات اساسی ژئوپلیتیکی گردید و مکان جغرافیایی پیرامون در طرح اتحاد پیرامونی این رژیم به علت تداوم سیاست ضد صهیونیستی ایران و تبدیل آن به مهم‌ترین تهدید راهبردی رژیم اشغالگر قدس، از حاشیه دولت‌های عربی به مناطق هم‌جوار ایران تغییر یافته است. در این میان، جمهوری آذربایجان به‌عنوان نقطه عزیمت راهبرد «اتحاد پیرامونی جدید» این رژیم قرار گرفته است. با این توصیف، این مساله به ذهن محقق متبادر شده است که جمهوری آذربایجان از چه بسترهای اجتماعی برای حضور رژیم اشغالگر قدس برخوردار است؟ برای شناسایی بسترهای اجتماعی جمهوری آذربایجان، از متون علمی و به‌منظور اولویت‌بندی بسترهای مشخص‌شده، از نتایج پرسش‌نامه بهره‌برده شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر را استادان مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد مرتبط با موضوع در مراکز علمی و دانشگاه‌های مختلف، جمعاً به تعداد ۴۵ نفر تشکیل داده و کل جامعه آماری به‌عنوان حجم نمونه مورد بررسی آماری قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به ترتیب شاخص‌های «نخبگان غرب‌گرا در جمهوری آذربایجان، دوری آذری‌ها از اندیشه و آرمان‌های اصیل اسلامی در پی سلطه طولانی کمونیسم و یهودیان جمهوری آذربایجان» از مهم‌ترین بسترهای سیاسی جمهوری آذربایجان برای حضور رژیم اشغالگر قدس است.

واژگان کلیدی: بسترهای سیاسی، راهبرد اتحاد پیرامونی، جمهوری آذربایجان، رژیم اشغالگر قدس

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد امنیت ملی و مطالعات امنیتی در مقطع کارشناسی ارشد

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد امنیت ملی و مطالعات امنیتی در مقطع کارشناسی ارشد

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال شانزدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۰۷-۷۳.

بدون تردید برای هر کشور و نظام سیاسی آن شناخت دقیق و واقع‌بینانه عواملی که موجودیت، امنیت و منافع حیاتی آن را تهدید می‌کند، از اولویت اساسی برخوردار است؛ زیرا این‌گونه تهدیدات به‌راحتی می‌توانند در راه حرکت عمومی و مسیر پیشرفت و توسعه یک جامعه، موانع جدی ایجاد نموده یا موجودیت و هویت ملی یک کشور را به مخاطره اندازند. در نتیجه برای کسب آمادگی متناسب و متعادل برای مقابله با هر تهدیدی نخست باید ماهیت، ابعاد و پیامدهای آن را با وضوح و دقت بیشتر شناسایی کرد تا از هرز رفتن منابع ارزشمند خود از یک سو و غافل‌گیری و صدمه‌پذیری خویش از سوی دیگر جلوگیری به عمل آورد.

جمهوری اسلامی به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در منطقه قفقاز جنوبی به‌عنوان محیط امنیتی پیرامونی خود، از شرایط ویژه‌ای در تعاملات بین‌المللی برخوردار است و هرگونه افزایش سطح تاثیرگذاری و نفوذ کشورهای فرامنطقه‌ای را با دقت و حساسیت مدنظر دارد. این مساله ناشی از آن است که هرگونه همکاری سیاسی - اقتصادی کشورهای منطقه‌ای قفقاز جنوبی با کشورهای واگرا با سیاست‌گذاری‌های امنیتی - راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در راستای کاهش سطح تاثیرگذاری مثبت و تهدیدی برای امنیت ملی ایران تلقی گردد. تغییر ژئوپلیتیک محیط پیرامونی ایران بعد از جنگ سرد (فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی)، جمهوری آذربایجان که دارای موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ممتازی است؛ مورد توجه سیاسی، امنیتی و اقتصادی بازیگران فرامنطقه‌ای و متعارض با ایران از جمله رژیم اشغالگر قدس قرار گرفت. این کشور نیز به خاطر مشکلات اقتصادی، سیاسی و توسعه‌ای خود، بهره‌گیری از توانایی‌های رژیم اشغالگر قدس را در راستای منافع خود مفید قلمداد نمود. اما مساله حائز اهمیت در این میان، قرار گرفتن این کشور در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تعارضات شدید هویتی - ایدئولوژیکی ایران با رژیم اشغالگر قدس است، به‌طوری که حضور و گسترش نفوذ این رژیم در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی - امنیتی فضای لازم را برای تامین اهداف سیاسی و امنیتی رژیم اشغالگر قدس در قبال ایران به‌عنوان مهم‌ترین دشمن راهبردی آن رژیم فراهم نموده است.

با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، جمهوری آذربایجان (به علت جذابیت‌های استراتژیکی، امنیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی) مورد توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله رژیم اشغالگر قدس واقع شد و نفوذ گسترده در این منطقه در دستور کار سیاست خارجی این رژیم قرار گرفت. در واقع سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس در قبال جمهوری آذربایجان را باید در تداوم سیاست راهبرد پیرامونی (راهبرد بن گوریون) مبنی بر پی‌گیری اتحادهای منطقه‌ای در حلقه دوم همسایگان غیر عرب و طرح خاورمیانه‌ای شیمون پرز (خاورمیانه جدید) دانست. از سوی دیگر حاکمان جمهوری آذربایجان، این رژیم را به‌عنوان دروازه ورود به غرب و به‌خصوص آمریکا قلمداد نموده و به‌رغم نارضایتی روسیه و ایران در برقراری روابط دیپلماتیک با این رژیم، بسیار سریع عمل نمودند. رژیم اشغالگر قدس از حضورش در جمهوری آذربایجان اهداف و سیاست‌های خاصی را تعقیب می‌نماید که از آن جمله می‌توان به خروج از انزوای سیاسی در خاورمیانه، خارج شدن از اتهام تقابل با کشورهای اسلامی، مبارزه با رشد اسلام‌گرایی، دستیابی به منابع نفتی و گازی و نفوذ اقتصادی و فرهنگی و نزدیکی به مرزهای ایران اشاره نمود.

بدون شک برای حضور هر کشور یا رژیمی در منطقه یا کشوری دیگر، بایستی بستریهای فراهم باشد؛ بنابراین برای حضور رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان نیز بستریهای لازم است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به بستریهای سیاسی موجود در این کشور اشاره کرد. با این توضیح، مهم‌ترین مساله‌ای که در ذهن محقق نقش بسته، این است که جمهوری آذربایجان از چه بستریهای سیاسی برای حضور رژیم اشغالگر قدس برخوردار است؟ از این‌رو محقق تلاش خواهد نمود تا در قالب این تحقیق بتواند این بستریها را تبیین و بررسی نماید.

اهمیت و ضرورت تحقیق در تحرکات امنیتی اسرائیل

جایگاه محوری ایران در منطقه چهارگانه خاورمیانه، خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی و آسیای جنوب غربی از یک طرف و حضور آمریکا و رژیم اشغالگر قدس در این مناطق از

طرفی دیگر، بیشترین بار تغییرات محیطی را بر کشور ما وارد کرده است. با توجه به قابلیت‌های دسترسی و برقراری ارتباط، یقیناً منطقه قفقاز جنوبی (به‌خصوص آذربایجان) می‌تواند در بین مناطق چهارگانه پیرامون ایران از بهترین بسترها و ظرفیت‌ها برای حضور رژیم اشغالگر قدس برخوردار باشد.

حضور اسرائیل و همکاری با کشورهای این منطقه به‌ویژه آذربایجان، با هدف انتقال نگرانی‌های امنیتی خود به جدار مرزهای ایران و افزایش آسیب‌پذیری آن است. به طور اختصار، مهم‌ترین دلایل موجود برای بررسی این تحقیق در قالب اهمیت و ضرورت پرداختن به آن عبارتند:

یک. همسایگی ایران با جمهوری آذربایجان؛

دو. حضور فعال کشورهای فرامنطقه‌ای متعارض با ایران در این کشور؛

سه. اولویت یافتن برقراری ارتباط با دولت‌های غربی و رژیم اشغالگر قدس در سیاست

خارجی جمهوری آذربایجان؛ و

چهار. وجود مصداق‌هایی از اقدام رژیم اشغالگر قدس علیه امنیت ملی کشورمان از جمهوری

آذربایجان.

بنابراین ضروری است ظرفیت‌های آذربایجان که بسترساز حضور رژیم اشغالگر است مورد

بررسی قرار گیرد؛ زیرا غفلت از این موضوع موجب آسیب‌پذیری و از دست رفتن فرصت برای

مواجهه با تهدید اسرائیل از ناحیه آذربایجان علیه کشورمان می‌گردد.

در این نوشتار سعی بر آن است به این پرسش پاسخ داده شود که، بسترهای سیاسی

جمهوری آذربایجان برای حضور رژیم اشغالگر قدس کدام است؟

در پاسخ، فرضیه مقاله حاضر بر آن است که همسایگی با ایران، حاکمان سیاسی سکولار،

امکان بهره‌برداری سیاسی از جمهوری آذربایجان به‌عنوان یک کشور مسلمان با اکثریت شیعه

مهم‌ترین بسترهای سیاسی آذربایجان برای حضور رژیم اشغالگر قدس است.

در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی بهره‌برداری شده و به‌لحاظ نوع پژوهشی نیز،

تحقیق کاربردی است. ضمناً از روش‌های کتابخانه‌ای (اسنادی و اینترنتی) و پرسشنامه (میدانی)

به‌عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

حضور نیروهای فرمانطقه‌ای (متعارض با ایران) در آذربایجان از جمله آمریکا و رژیم اشغالگر قدس، فضای لازم را برای حضور آنها به‌ویژه اسرائیل در جوار مرزهای کشورمان فراهم آورده است، بنابراین ضروری است ظرفیت‌های آذربایجان که بسترساز حضور اسرائیل علیه ایران است، مورد مذاقه قرار گیرد. تاکنون تحقیقات متعددی در خصوص مسائل امنیتی قفقاز و آذربایجان صورت گرفته که مشخصات، چکیده مفهومی و دستاورد علمی تعدادی از آنها به شرح زیر است:

امیر ساجدی در مقاله‌ای با عنوان «طرح پیرامونی و همکاری آذربایجان و اسرائیل» که در فصلنامه تخصصی علوم سیاسی در سال ۱۳۹۰ چاپ گردید، عنوان می‌کند: «پس از فروپاشی و ایجاد موقعیت جدید در قفقاز و آسیای مرکزی، برای اسرائیل یک کشور خاورمیانه‌ای فرصتی پدید آمد تا از طریق ارتباط با آذربایجان در منطقه قفقاز جنوبی دارای نفوذ گردد.»

اکبر مهدی‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اهداف و خط مشی‌های رژیم صهیونیستی در آسیای میانه و قفقاز» که در سال ۱۳۸۰ در ماهنامه نگاه به چاپ رسید، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که بسط نفوذ اسرائیل در قفقاز، عمیقاً ناظر به کسب مشروعیت (به‌مثابه مهم‌ترین چالش هویتی اسرائیل) و خروج از انزوای سیاسی بوده است.

حسن کامران دستجردی، در مقاله‌ای با عنوان «حضور اسرائیل در قفقاز و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با کاربرد نظریه بازی‌ها)» که توسط فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران در سال ۱۳۹۰ چاپ شده است، عنوان می‌کند: «اسرائیل به‌عنوان یکی از قدرت‌های فرمانطقه‌ای بنا به الزامات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود و بر اساس رهنامه بن‌گوریون و نظریه خاورمیانه جدید شیمون پرز، تمایلی جدی به حضور در منطقه قفقاز از خود نشان داده است.» آثار پیش‌گفته هر یک به نحوی ابعاد روابط و تعاملات رژیم اشغالگر قدس را با کشورهای منطقه قفقاز جنوبی مورد توجه قرار داده‌اند لیکن در نوشتار پیش‌رو کوشش می‌شود مهم‌ترین بسترها و ظرفیت‌های سیاسی آذربایجان برای حضور اسرائیل مورد واکاوی قرار گیرد تا بر مبنای آن درک بهتری از پیامدهای حضور رژیم اشغالگر قدس در این کشور برای کشورمان حاصل شود.

مروری بر نظریات علمی پیرامون مساله

یک. نظریه خاورمیانه جدید شیمون پرز

این نظریه بر این اصل که به علت تضاد شدید کشورهای عربی مسلمان خاورمیانه با اسرائیل، امکان همکاری‌های سیاسی و اقتصادی با این کشورها میسر نیست، از این‌رو اسرائیل بایستی به دنبال کشورهای غیر عرب منطقه باشد. بنابراین اسرائیل می‌بایستی تمام انرژی خود را در خاورمیانه جدید که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را نیز شامل می‌شود، به کار گیرد. بر اساس این نظریه موفقیت در ایجاد رابطه با آذربایجان مسلمان نه تنها چهره ضد اسلامی اسرائیل را در جهان از بین خواهد برد و از یک اتحاد ضداسرائیلی از طرف تمامی کشورهای مسلمان جلوگیری می‌نماید، بلکه منافع سیاسی - اقتصادی زیادی برای اسرائیل دربر خواهد داشت. ایجاد روابط سیاسی اسرائیل با آذربایجان و دیگر کشورهای تازه استقلال یافته و گسترش آن می‌تواند تاحدودی گسترش نفوذ متحد راهبردی اسرائیل یعنی آمریکا را در این مناطق شدت بخشد این روابط نه تنها می‌تواند در برگیرنده منافع رژیم اشغالگر باشد، بلکه تاحدودی جبران کاهش اهمیت اسرائیل برای آمریکا بر اثر فروپاشی شوروی می‌کند. (ساجدی، ۱۳۹۰: ۱۴۵)

دو. رهنامه پیرامونی

طرح پیرامونی توسط استراتژیست‌های اسرائیلی در اوایل دهه ۱۹۵۰ اظهار شد و آن اشاره دارد به وضعیت کشور کوچکی که در بین همسایگان متخاصم بزرگ قرار گرفته است. اسرائیل از بدو تأسیس تا امروز مشکلات زیادی با همسایگان عرب خود داشته و دارد و عدم پذیرش از سوی همسایگان و جنگ‌های متعدد بین آنها نشان از اختلاف اساسی بین آنها هست. (Sajedi, 2008: 79) در واقع رژیم اشغالگر کوچک هفت میلیونی در محاصره کشورهای چندصدمیلیونی عرب خاورمیانه قرار گرفته و امکان داشتن روابط عادی اقتصادی و امنیتی با آنها را دارا نیست. بدین سبب بن گوریون (اولین نخست‌وزیر اسرائیل) و دیگر استراتژیست‌های اسرائیلی این‌گونه اظهار نمودند که اسرائیل به‌عنوان یک جزیره‌ای است در میان دریای مسلمان که می‌بایست از میان برخی کشورهای ساکن در حوزه خارج دنیای عرب برای خود دوستان و هم‌پیمانانی را پیدا نماید. محدوده طرح پیرامونی می‌تواند در طول زمان

تغییر نماید دولت‌مردان اسرائیلی در راستای طرح پیرامونی موفق گردیدند اتحادی را با همکاری ایران، ترکیه و ایتوبی شکل دهند با سرنگونی شاه و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ این اتحاد شکسته شد. از این زمان به بعد دولت‌مردان اسرائیلی برای اجرای طرح پیرامونی سعی نمودند با دیگر کشورهای هم‌جوار خاورمیانه اتحادی را برقرار نمایند (تقی پور، ۱۳۸۳: ۴۲۹)

رژیم اشغالگر قدس؛ سیاست‌ها و اهداف

رژیم اشغالگر قدس با ۲۰۷۰۰ کیلومترمربع مساحت در جنوب غرب آسیا و در ناحیه خاورمیانه واقع گردیده است. این کشور کم‌وسعت دارای ۷۴۶۵۰۰۰ نفر جمعیت است که اعراب ۲۰ درصد آن را تشکیل می‌دهند. یهودیان با جمعیتی حدود پنج‌ونیم میلیون نفر و مسلمانان با بیش از یک‌ونیم میلیون نفر و همراه با اندکی مسیحی، جمعیت رژیم اشغالگر قدس را تشکیل می‌دهند (ساجدی، ۱۳۹۰: ۱۳۴)

جامعه رژیم اشغالگر قدس، جامعه‌ای مهاجر است که با تشویق و تهدید، یهودیان را از سراسر جهان به این سرزمین وارد کرده است. به‌علاوه، این یهودیان مهاجر به سرزمینی وارد شده‌اند که بخش گسترده‌ای از آن، در اختیار جمعیت بومی و ساکنان عرب بوده است. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری ترکیبی ناهمگون از جمعیت است که شکاف‌های اجتماعی گوناگون را سبب شده و همبستگی درونی این رژیم را با مشکل مواجه کرده است. (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۶۴)

از دیگر مشکلات و بحران‌های رژیم اشغالگر قدس می‌توان به کم بودن عمق راهبردی و قرار گرفتن در متن جغرافیای سیاسی اسلام اشاره نمود. کل محدوده جغرافیایی اسرائیل در حدود ۲۰ کیلومترمربع است. کوچک بودن مساحت جغرافیایی رژیم اشغالگر قدس و کم بودن تعداد ساکنان آن در مقایسه با کشورهای عربی، این رژیم را فاقد عمق راهبردی نموده و نمی‌تواند برای یک دوره طولانی بسیج نظامی گسترده‌ای ایجاد کند (Borhan.ir)

از نظر افکار عمومی دنیای اسلام، رژیم اشغالگر قدس به لحاظ اینکه در شرایط ناامنی و جنگ، بقای خود را با کشتار و تصرف زمین به‌دست آورده، زیر سؤال است و به این دلیل همواره با ناامنی ناشی از شرایط محیطی روبه‌رو است. (حجت شمامی، ۱۳۹۰: ۳۹)

با وقوع انقلاب اسلامی، ایران به عنوان شریک راهبردی رژیم صهیونیستی به دشمن راهبردی این رژیم تبدیل گردید. به همین دلیل راهبرد ماوراء افق مورد توجه این رژیم قرار گرفت. طبق این راهبرد رژیم اشغالگر قدس به سمت کشورهای پیرامونی ایران توجه نمود تا یک تهدید امنیتی را علیه ایران سازمان‌دهی نماید. در بین کشورهای پیرامونی ایران، کشورهای عراق، آذربایجان و ترکیه به علت ویژگی مناسب جغرافیایی، نژادی، مذهبی و ... مورد توجه قرار گرفتند که از این بین ترکیه و آذربایجان کشورهایی بودند که با توجه به اهداف سران لاییک این کشورها مبنی بر جلب نظر غرب به رژیم اشغالگر قدس چراغ سبز نشان دادند. (ساوه درودی، ۱۳۸۸: ۳۰)

رژیم اشغالگر قدس با حضور در منطقه قفقاز و گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با آذربایجان به دنبال تضعیف عامل دین در مناقشه خود با اعراب و افزایش مشروعیت جهانی و منطقه‌ای خویش است، مهاجرت یهودیان منطقه به سرزمین‌های اشغالی را تسهیل کند و یا این که با حمایت از آنها در مواقع لزوم از آنان به‌عنوان گروه ذی‌نفوذ در امور اقتصادی و سیاسی در جهت تامین منافع ملی خویش در منطقه سود جوید. (ساجدی، ۱۳۹۰: ۱۳۶)

جمهوری آذربایجان: سیاست‌ها و اهداف

جمهوری آذربایجان یکی از جمهوری‌های سه‌گانه قفقاز جنوبی است که در همسایگی ایران و در قسمت شمال غربی آن قرار دارد. وسعت آذربایجان، ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد که از دو بخش جغرافیایی جدا از هم تشکیل شده است. بخش بزرگ و اصلی آن ۸۱۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و جمهوری خودمختار نخجوان به عنوان بخش کوچک‌تر شامل ۵۵۰۰ کیلومتر مربع از اراضی کشور می‌شود که توسط خاک ارمنستان از پیکره اصلی این کشور جدا شده است. در حال حاضر از این مقدار وسعت جغرافیایی، منطقه خود مختار قره‌باغ با ۴۴۰۰ کیلومتر مربع و هفت شهرستان این جمهوری که جمعا به میزان ۱۷۳۲۰ کیلومتر مربع و حدود ۲۰ درصد از خاک آذربایجان را تشکیل می‌دهد، در پی جنگ‌های سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴، از دست این کشور خارج شده است. از جمله همسایه‌های این کشور ایران با ۷۶۵ کیلومتر مرز مشترک در

جنوب، گرجستان با ۴۸۰ کیلومتر و ارمنستان با ۱۰۰۷ کیلومتر مرز مشترک در غرب و روسیه با ۳۹۰ کیلومتر مرز مشترک در شمال می‌باشد (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۶)

پیروان دین اسلام در جمهوری آذربایجان ۹۳/۴ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند که ۷۰ درصد آنها شیعه‌مذهب و ۳۰ درصد نیز سنی (حنفی) مذهب هستند در قانون اساسی این کشور اسمی از تشیع به میان نیامده است، در واقع جمهوری آذربایجان دومین کشور شیعه‌مذهب دنیا به نسبت درصد جمعیت خود است. در کنار جمعیت غالب مسلمان این جمهوری اعم از شیعه و سنی، تعدادی مسیحی و یهودی نیز زندگی می‌کنند (کیانی، ۱۳۹۰: ۵۹)

۸۱ | جمهوری آذربایجان از کشورهای دارنده نفت و گاز جهان به شمار می‌رود و از ذخایر قابل توجهی در این بخش برخوردار است. درباره میزان ذخایر نفت و گاز این کشور، آمار و ارقام متفاوتی از سوی مؤسسات مطالعاتی ارائه شده است. برخی از شرکت‌ها و مؤسسات نفتی، میزان ذخایر نفت آذربایجان را از هفت تا ۱۲/۵ میلیارد بشکه اعلام کرده‌اند. علاوه بر این میزان ذخایر گاز این کشور نیز همراه با ارقام متفاوت و از ۳۰ تریلیون تا ۴۰ تریلیون فوت مکعب ذکر شده است. در سال‌های اخیر به دنبال بهره‌برداری از خطوط انتقال نفت و گاز باکو - تفلیس - جیحان و همچنین خط لوله باکو - تفلیس - ارز روم، میزان تولید و صادرات نفت و گاز این کشور افزایش چشم‌گیری یافته است. (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۱۳)

جمهوری آذربایجان علاوه بر منبع عظیمی همچون نفت، گاز و وابستگی اقتصادی به نفت و گاز، از معادن غنی آهن، آلومینیوم، مس، جیوه، طلا، سدیم، منیزیم، مصالح ساختمانی، سرامیک و چینی، سنگ‌های نیمه قیمتی، و آب‌های معدنی برخوردار است. (کیانی، ۱۳۹۰: ۵۷)

فرهنگ اجتماعی جمهوری آذربایجان تحت تاثیر تبلیغات ۷۰ ساله کمونیست‌ها در گذشته و تهاجم فرهنگی غرب پس از استقلال وضعیت مطلوبی ندارد. فعالیت شدید مراکز فرهنگی و آموزشی کشورهای غربی در آذربایجان و دریافت برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی این کشورها به‌ویژه ترکیه، موجب اشاعه فرهنگ منحط غربی در این جمهوری به‌خصوص در بین جوانان گردیده است. این موضوع سبب گردیده تا اکثریت آذری‌ها با فرهنگ ملی خود بیگانه و به فرهنگ جدید وارداتی گرایش یابند. سلطه ۷۰ ساله کمونیست‌ها در این کشور تضعیف اعتقادات

مذهبی و مبانی اخلاقی در مردم جمهوری آذربایجان را به‌دنبال داشته است. اغلب مردم جمهوری آذربایجان از نظر معیشتی به شدت در تنگنا بوده و مشکلات اقتصادی موجب گسترش فقر، فساد و فحشاء در میان اقشار مختلف مردم این کشور گردیده است. (خلیلی، ۱۳۸۸: ۳۸)

با توجه به شکل‌گیری مناقشه قره‌باغ و وقوع جنگ میان آذربایجان و ارمنستان در همان اوان فروپاشی و بدو استقلال این جمهوری‌ها، روابط و سیاست خارجی باکو با این مناقشه گره خورد و تحت تاثیر آن شکل گرفت. به‌خصوص که در پی این جنگ، ۲۰ درصد خاک آذربایجان از سوی ارمنی‌ها تصرف شد و پس از برقراری آتش‌بس در سال ۱۹۹۴ میلادی، دو طرف با وساطت گروه «مینسک» مشغول مذاکره برای حل و فصل این مناقشه هستند. (امیراحمدیان، ۱۳۸۶: ۶۵)

جمهوری آذربایجان پس از استقلال، با هدف ایجاد یک نظام و ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جدید، الگوی غرب را انتخاب کرد و تلاش نمود با فاصله گرفتن از مسکو در این زمینه‌ها، چهره‌ای غربی از خود ارایه نماید. تلاش برای پیوستن به ساختارهای غربی نظیر پارلمان اروپا، سازمان امنیت و همکاری اروپا و نیز همکاری با ناتو در این راستا قابل تحلیل است.

جمهوری آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس

روابط جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۷ همزمان با افتتاح سفارت رژیم اشغالگر قدس در باکو با پیام حیدر علی‌اف، رییس‌جمهور سابق آذربایجان، تحقق یافته است. پس از فروپاشی کمونیسم و استقلال جمهوری آذربایجان، صهیونیست‌ها در اولین مرحله، موضوع بهره‌برداری از یهودیان آذربایجان را به‌عنوان افرادی که می‌توان به‌وسیله آنها در نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آذربایجان به‌رغم اکثریت شیعه این کشور نفوذ کرد و به‌عنوان حافظان منافع نامشروع اسرائیل استفاده نمود، در اولویت قرار دادند. از این‌رو سازمان‌دهی یهودیان داخل و ایجاد تشکیلاتی قوی برای آنها و فرستادن نمایندگان یهودی به مجلس آذربایجان را در دستور کار قرار داده و در مدت کوتاهی گروه دوستی پارلمانی اسرائیل و آذربایجان را پایه‌گذاری کرد، به‌گونه‌ای که اکنون به‌عنوان پایگاه نفوذ سیاست‌های اسرائیل در باکو عمل می‌کند. (Bajutoday.net)

بنا بر اظهارات مقامات رژیم اشغالگر قدس، مناسبات متقابل بین آذربایجان و این رژیم در

پنج زمینه اصلی و راهبردی: اجتماعی، اقتصادی، تجاری، سیاسی و امنیتی برقرار است. رژیم اشغالگر قدس با توجه به نزدیکی آذربایجان به ایران نگاهی راهبردی به توسعه حوزه نفوذ خود در جمهوری آذربایجان داشته و این امر را با برنامه‌های دقیق و فارغ از تبلیغات در حال پیشبرد دارد. مهم‌ترین اهداف اسراییل برای حضور در جمهوری آذربایجان عبارتند از:

- تلاش برای جداسازی این کشور از پیکره جهان اسلام؛
- به‌دست آوردن بازارهای اقتصادی جدید برای عرضه و فروش محصولات تولیدی خود؛
- جلوگیری از نفوذ معنوی و فرهنگی ایران در آذربایجان با توجه به همسایگی دو کشور؛
- برنامه‌ریزی بلندمدت برای هرگونه اقدام علیه ایران؛
- شناسایی گروه مخالف و موافق ایران و برقراری ارتباط با گروه مخالف ایران؛
- افزایش حضور و نفوذ در جمهوری آذربایجان برای کنترل رفتار ایران؛
- ترویج تفکرات صهیونیستی و تسهیل مهاجرت یهودیان به سرزمین‌های اشغالی؛
- بهره‌برداری از منابع انرژی منطقه دریای خزر و تامین نفت مورد نیاز از جمهوری آذربایجان و مشارکت در پروژه‌های انتقال انرژی؛ و
- همکاری و ایجاد روابط با یک کشور مسلمان و شیعه (با توجه به حاکمیت لاییک) و به‌دست آوردن وجهه سیاسی مبنی بر اینکه آن رژیم با یک کشور اسلامی دارای روابط خوب و قوی است. در تعامل دوسویه کشور آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس، آذری‌ها نیز برای خود اهدافی در پیش گرفته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:
- بهره‌برداری از توانمندی‌های رژیم اشغالگر قدس در باره کمک‌های مالی و توسعه اقتصادی؛
- بهره‌برداری از لابی یهودیان در مقابل لابی ارمنی‌ها در حل مسائلی مانند مناقشه قره‌باغ؛
- جلب رضایت آمریکا برای کمک و پشتیبانی سیاسی و مالی از آنان؛
- مطرح کردن خود در مجامع بین‌المللی و سیاسی به‌عنوان یک کشور لاییک دارای روابط با رژیم اشغالگر قدس؛ و
- کم‌رنگ کردن تعصبات اسلامی مردم و احزاب جمهوری آذربایجان نسبت به این رژیم برای جلوگیری از هرگونه حرکت اسلامی احتمالی علیه جمهوری آذربایجان. (خلیلی، ۱۳۸۸: ۹۴)

بسترهای سیاسی آذربایجان برای حضور رژیم اشغالگر قدس

بستر سیاسی به امور مربوط به دولت، حکومت، سیاست داخلی و خارجی که می‌تواند زمینه و مقدمات برای اقدام یا کاری را فراهم کند، اطلاق می‌گردد. در این بخش محقق سعی نموده است واقعیت‌های نظام سیاسی جمهوری آذربایجان که زمینه‌ساز حضور رژیم اشغالگر قدس در این کشور است را بررسی نماید. تحقیقات انجام‌شده و بررسی‌های تخصصی به عمل آمده در متون و منابع موجود و همچنین تلخیص بسترهای مربوطه، نشان می‌دهد که بسترهای سیاسی مورد نظر می‌تواند در ۱۶ مورد زیر خلاصه شود که سعی گردیده است هر کدام از آنان به تفصیل در ادامه آورده شود تا منظور محقق از این بسترها تبیین شود.

نظام سیاسی جمهوری آذربایجان با حاکمیت اندیشه‌های سکولاریستی

نظام سیاسی آذربایجان، جمهوری است. این نظام دموکراتیک بوده و دارای شاخصه‌های قانونمندی و سکولاریسم است. البته در عمل جنبه‌های دموکراتیک نظام سیاسی این کشور، بسیار کم‌رنگ‌تر از مواضع اعلامی است. حاکمیت در جمهوری آذربایجان در دوره اتحاد جماهیر شوروی بر پایه آتئیسم و الحادگری استوار بود و علاوه بر اینکه از هویت دینی شهروندان به‌مثابه بخشی از حقوق انسانی آنها حمایت نمی‌کرد، سیاست‌های ضد دینی سرسختانه‌ای را اعمال می‌نمود. پس از استقلال کشور، ماهیت نظام سیاسی و حاکمیت آذربایجان با جهت‌گیری دنیوی و سکولاریستی تعیین شد. ساختار و نوع نظام سیاسی حاکم بر جمهوری آذربایجان در پی ارایه تصویری لایبیک و سکولار از خود است و به‌موازات آن تلاش می‌کند چهره‌ای متساهل و دارای مدارای بیشتر در مسائل و موضوعات دینی - فرهنگی، از خود به نمایش بگذارد. با این‌انگیزه، دولت باکو در تلاش است از یک‌سو با همه کشورها و ملت‌هایی که در این چارچوب حرکت می‌کنند پیوستگی و مفاهمه برقرار نماید، و از سوی دیگر از هویت‌یابی تاریخی - دینی واقعی مردم خود که مبتنی بر دو عنصر «تشیع» و «فرهنگ و مدنیت شرقی - ایرانی» است، جلوگیری کند. در این راستا مقامات جمهوری آذربایجان اهمیت ویژه‌ای برای اسرائیل قائل هستند. تلقی مقامات این کشور از رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان یک جامعه سرمشق یعنی

کشوری کوچک اما از نظر سیاسی و اقتصادی قوی و در عین حال دموکراتیک و سکولار (غیردینی) برای مقامات آذربایجان امیدبخش بوده است. از نظر ایشان رژیم اشغالگر قدس برای دولت‌های خاورمیانه تهدید است، اما برای آذربایجان یک فرصت است. (مؤمنی، ۱۳۸۳: ۲۶)

بنابراین می‌توان گفت: نظام سیاسی جمهوری آذربایجان با حاکمیت اندیشه‌های سکولاریستی، بستری برای حضور رژیم اشغالگر قدس است.

احتیاج مبرم آذری‌ها به ائتلاف

جدایی از اتحاد جماهیر شوروی، فائق آمدن بر بزرگ‌ترین مشکلی که بلافاصله پس از استقلال با آن دست‌به‌گریبان شد؛ یعنی از دست‌دادن ۲۰ درصد از خاک کشور در نتیجه جنگ با ارمنستان بر سر قره‌باغ کوهستانی، و برون‌رفت از مشکلات داخلی، مستلزم پشتوانه‌ها و نقاط اتکالی بود که رهبران باکو به‌نوبه خود در پی یافتن آنها برای تضمین موفقیت راهی که در پیش گرفتند، بودند. رهبران حاکم بر باکو در فراسوی مرزهای خود در پی جلب حمایت و پشتیبانی کشورها و قدرت‌هایی بر می‌آمدند تا تجربه سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۸ که آذربایجان برای مدت کوتاهی مستقل و سپس توسط ارتش سرخ به شوروی ملحق شد، تکرار نشود. مردم و به تبع آن رهبران باکو دل خوشی از مسکو و حاکمان کرملین نداشتند و برای اینکه تا همیشه از سلطه آنها رهایی یابند، متمایل به غرب و کشورهای غربی شدند تا زیر سایه آنها از تداوم کدخدایی و حکمرانی روس‌ها بر سرنوشتشان در امان باشند. بر این اساس دیپلماسی خارجی خود را در جهت نیل به این هدف فعال کرده و هرچه در توان داشتند به کار گرفتند تا به اروپا و آمریکا و برخی اقمار و نمایندگان آنها نظیر ترکیه در حد امکان بیشتر نزدیک شوند. بنابراین احتیاج مبرم آذری‌ها به ائتلاف یکی از انگیزه‌های اصلی تحرک دیپلماتی باکو در عرصه‌های بین‌المللی و فعال شدن آن در جهت ورود به معادلات منطقه‌ای و جهانی است.

جلب سرمایه‌گذاری خارجی برای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و کشاورزی

آذربایجان با وجود منابع طبیعی غنی و ارزشمند مانند نفت و گاز طبیعی، ذخایر مواد معدنی،

زمین‌های کشاورزی و زراعی پهناور، به علت ضعف اقتصادی و سیاسی پس از استقلال به دنبال جلب حمایت و کمک‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری و تقویت این زیرساخت‌هاست و رژیم اشغالگر قدس نیز با مغتنم شمردن این فرصت در حوزه‌های نفت و گاز، کشاورزی، فناوری و مخابرات سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای انجام داده که در ادامه به نمونه‌های از آن اشاره می‌شود. از جمله این سرمایه‌گذاری‌ها اختصاص مبلغ ۸۰ هزار دلار در منطقه لنکران در جنوب آذربایجان جهت بالا بردن سیستم آبیاری منطقه (سیستم آبیاری قطره‌ای) و یا سرمایه‌گذاری در بخش سیستم تلفن همراه آذربایجان با نام باکسل به‌عنوان اپراتور دوم و یا همکاری با بانک توسعه و صنعت در ساخت مرکز آزاد تجاری در شهر سومقائیت آذربایجان با سرمایه اولیه ۲۰۰ میلیون دلاری و یا سرمایه‌گذاری در پروژه استخراج و حمل‌ونقل نفت آذربایجان به رژیم اشغالگر قدس که توافق‌نامه آن در زمان سفر نتایهاو به آذربایجان در سال ۱۹۹۷ منعقد شده بود، همچنین سرمایه‌گذاری این رژیم در ایجاد مزارع کشت صیفی‌جات و گوجه‌فرنگی در مناطق جنوبی آذربایجان و پرورش ماکیان و یا سرمایه‌گذاری در بخش ساخت و تامین لوازم مورد نیاز بیمارستان کودکان و بیمارستان مرکزی باکو را ذکر کرد. (روزنامه ملت، چاپ باکو، ۲۵ آوریل ۱۹۹۸) عامل اقتصادی مهم‌ترین و کارآمدترین ابزار برای بسط نفوذ رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان بوده است که خود ریشه در ضعف ساختار اقتصادی این کشور پس از استقلال است. از این منظر رژیم اشغالگر قدس به یک معنا از مهم‌ترین نقطه‌ضعف این کشور به‌مثابه نقطه قوت خویش استفاده کرده است. به لحاظ اقتصادی رژیم اشغالگر قدس پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایی را برای جمهوری آذربایجان ایجاد کرده و این کشور با عنایت به نیاز خود در این زمینه‌ها متقاضی استفاده از این امکانات شده است. (کولایی، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

سفر روزافزون هیات‌های تجاری و اقتصادی دو کشور نیز نشانه‌هایی از مراودات پنهانی و آشکار دو کشور است. سفر وزیر اقتصاد رژیم اشغالگر قدس، ویکتور داریل در تاریخ ۱۶ آوریل ۲۰۰۰ به باکو و دیدار با رییس‌جمهور، نخست‌وزیر، رییس مجلس آذربایجان و روسای وزارت‌خانه‌های اقتصاد و دارایی و وزارت امور خارجه آذربایجان و عقد قراردادهایی در زمینه کشاورزی، نفت، صنایع الکترونیک و امنیت فرودگاهی خود گواهی بر میزان مراودات مقامات و

اتباع آنهاست. لازم به ذکر است برای رژیم اشغالگر قدس، برقراری روابط تجاری و اقتصادی با دیگر کشورها بیش از آنکه به منظور کسب منافع اقتصادی باشد، به عنوان بستری برای دستیابی به اهداف سیاسی- امنیتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (غریباق‌زندی، ۱۳۸۷: ۲۲۸) بنابراین می‌توان احتیاج جمهوری آذربایجان به سرمایه‌گذاری خارجی برای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و کشاورزی را بستری برای حضور رژیم صهیونیستی در این کشور دانست.

ژئوپلیتیک خاص جمهوری آذربایجان

در یک دیدگاه کلی، موقعیت راهبردی جغرافیایی، با وجود پیدایش عامل‌های جدید اهمیت‌زا برای کشورها در قرن بیستم نظیر انرژی‌های فسیلی، همچنان یکی از عوامل نقش‌آفرین است و گذشت صدها و هزاران سال از تاریخچه فعالیت‌های برون‌مرزی و بین‌المللی دولت‌ها و ملت‌ها، نتوانسته نقش تعیین‌کننده این عامل را از بین ببرد. لذا طبیعی است که موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جمهوری آذربایجان به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه قفقاز، بر اهمیت آن افزوده و می‌توان گفت که بعد از ذخایر نفت و گاز، دومین عاملی است که به‌عنوان پشتوانه نقش‌آفرینی برای جمهوری آذربایجان عمل می‌کند. اراضی این جمهوری به‌عنوان بخشی از قفقاز، در طول تاریخ از موقعیت جغرافیایی برتر و کلیدی برخوردار بوده و به سبب این موقعیت همواره در معرض توجه دولت‌ها و قدرت‌های بزرگ قرار داشته است.

آذربایجان، چه زمانی که در ترکیب جغرافیای سیاسی ایران بزرگ قرار داشت و چه پس از جدایی اجباری از ایران، در چهارراه مواصلاتی شرق - غرب و شمال - جنوب قرار داشته و هنوز هم به‌رغم ایجاد راه‌های ارتباطی جدید، این موقعیت را حفظ کرده است، به طوری که می‌توان ادعا کرد اگر امروزه این کشور کوچک فاقد نفت و گاز هم بود، باز قابلیت این را داشت که همچنان در کانون توجهات دیگران قرار گیرد. تردیدی نیست که توجه برخی سازمان‌های بین‌المللی نظیر ناتو به قفقاز بیش از آنچه به خاطر وجود انرژی در منطقه باشد، به سبب موقعیت خاص و برتر جغرافیایی آن است. برای قدرت‌های اروپایی و آمریکایی، همسایگی و پیوستگی جغرافیایی جمهوری آذربایجان با ایران، روسیه و آسیای مرکزی که هر سه دارای اهمیت

راهبردی و غیرقابل چشم‌پوشی هستند، مهم است و به تنهایی کفایت می‌کند تا در معادلات قدرت‌های جهانی جایگاه ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته شود. در هر صورت سهم مهمی از پتانسیل و ظرفیت نقش‌آفرینی جمهوری آذربایجان در سطوح منطقه‌ای و جهانی به همین عامل برمی‌گردد و این کشور علاوه بر اتکا به ذخایر نفت و گاز خود، از این عامل نیز استفاده می‌کند. اهمیت آذربایجان برای آمریکا و رژیم اشغالگر قدس در کنار مساله یهودیان ساکن در آن کشور و همسایگی با ایران، به خاطر موقعیت ژئوپلیتیک آن است که در این راستا، زیگنیو برژینسکی در کتاب صفحه بزرگ شطرنج برتری آمریکا و ضرورت‌های ژئواستراتژیک آن که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد، عنوان می‌کند (همشهری دیپلماتیک، ۱۳۸۳): «محورهای ژئوپلیتیک، کشورهای هستند که اهمیت آنها به دلیل قدرت و انگیزه‌شان نیست، بلکه موقعیت حساس و پیامدهای شرایط بالقوه آسیب‌پذیرشان برای رفتار بازیگران ژئواستراتژیک به آنها اهمیت می‌بخشد. غالباً محورهای ژئوپلیتیک را جغرافیای آنها معین می‌کند. در برخی موارد این جغرافیا نقش خاصی در تعریف دسترسی به نواحی مهم یا سلب منابع از بازیگری عمده، ایفا می‌کند. اوکراین، جمهوری آذربایجان، کره جنوبی، ترکیه و ایران نقش محورهای ژئوپلیتیک را بازی می‌کنند که از اهمیت بسیاری برخوردارند»

هر چند در دوران شوروی سابق نیز مقامات رژیم اشغالگر قدس با دولت‌مردان آذربایجان ارتباطات مهمی را برقرار کرده بودند، اما با استقلال آذربایجان و نقشی که این کشور می‌توانست در آینده معادلات منطقه‌ای و جهانی بازی کند، سبب شد تا آمریکا و رژیم اشغالگر قدس به سرعت و با استفاده از ابزارهای مختلف سعی در توسعه دامنه نفوذ خود در این کشور کنند و به جهت حساسیت‌های موجود در میان کشورهای مسلمان منطقه و وجود همسایه‌ای قدرتمند و ضد رژیم اشغالگر قدس همچون ایران در مرزهای جنوبی آذربایجان، موجب شد تا پروژه نفوذ رژیم اشغالگر قدس در این کشور بدون هیچ‌گونه تبلیغات و ایجاد حساسیتی به اجرا گذاشته شود (مؤمنی، ۱۳۸۳: ۲۵). آذربایجان محل تقاطع پنج جمهوری تازه استقلال یافته، نقطه برخورد و نزدیکی شرق و غرب، مهم‌ترین همسایه جنوبی روسیه و مهم‌ترین همسایه شمالی ایران است. در نتیجه شرایط جغرافیایی خاص این کشور و منابع عظیم انرژی در آن موجب شده است تا

همسایگان همواره در صدد یافتن جا پایی برای خود و نفوذ در این کشور برآیند بنابراین ژئوپلیتیک خاص جمهوری آذربایجان و قرار گرفتن در نقطه محوری چهارراه آسیای مرکزی، روسیه، خاورمیانه و اروپا، بستری برای حضور رژیم اشغالگر قدس در این کشور است.

نیاز به لابی رژیم اشغالگر قدس در مقابله لابی ارامنه

استفاده از لابی یهود در مقابل لابی ارامنه در کنگره آمریکا در جهت متوقف کردن مصوبه ۹۰۷ کنگره آمریکا که در آوریل ۱۹۹۲ به بهانه نقض حقوق بشر در جنگ با ارمنستان تحت فشار لابی ارامنه علیه آذربایجان در کنگره آمریکا تصویب شد، بر طبق این مصوبه کاخ سفید، باکو را از کمک‌های به اصطلاح انسان‌دوستانه خود محروم ساخت. از جمله اقدامات مسئولان آذربایجان جهت لغو مصوبه کنگره آمریکا، دیدارهای متعدد با نمایندگان یهودی کنگره آمریکا و یا دعوت از سازمان‌های یهودی آمریکا جهت دیدار از باکو و کمک جهت نزدیکی آذربایجان به آمریکا است. از این‌رو در دیدار مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۷ نمایندگان سازمان‌های یهودی آمریکا که به ریاست «باری جکیپس» با رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه، رئیس مجلس و رئیس کنسرسیوم نفتی فعال در آذربایجان (BP) و رئیس شرکت ملی نفت آذربایجان انجام گرفت، رئیس‌جمهور آذربایجان به هیئت نمایندگی سازمان‌های یهودیان آمریکا گفت: «ارتباط باکو با سازمان‌های یهودی آمریکا، در توسعه روابط جمهوری آذربایجان با رژیم اشغالگر قدس و آمریکا تعیین‌کننده است.» وی افزود: «در جمهوری آذربایجان یهودیان از حقوق کامل برخوردارند و دولت باکو از آنها حمایت می‌کند.» در این سفر، نمایندگان سازمان‌های یهودی از شهر قبا و منطقه قرمزی قصبه سی که مرکز یهودیان آذربایجان است، بازدید کردند و با مسئولان یهودی آذری در خصوص مسائل مورد علاقه خود به بحث و گفتگو پرداختند. (سایت خبری برون‌مرزی صدا و سیما، ۱۳۷۸/۴/۲۴)

لیولپوراف، رئیس سازمان‌های یهودی کشورهای CIS در تاریخ ۲۰۰۳/۴/۱۱ با حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور وقت آذربایجان ملاقات کرد و به تبادل نظر در خصوص جامعه یهودیان آذربایجان و بازدید از میزان پیشرفت ساخت کنیسه جدید یهودیان در باکو پرداخت. رئیس جامعه یهودیان

کوهستانی جهان، ژائو گیلانوف نیز در تاریخ ۲۰۰۳/۸/۱۵ به باکو سفر و در بازگشایی رسمی اولین مدرسه اختصاصی یهودی در باکو شرکت کرد گیلانوف متولد باکو است (AZER.NET, 2003)

لورد جانر، عضو پارلمان انگلستان و لورد میشل، معاون جامعه یهودیان جهان به همراه خانم لیندا پرهام، عضو پارلمان انگلستان، در تاریخ ۲۰۰۳/۹/۵ به باکو سفر کردند هدف آنان از این سفر جهت رسیدگی و بررسی وضعیت یهودیان آذربایجان و حضور در بازگشایی دومین مدرسه اختصاصی یهودیان در باکو نیز قابل توجه است. این امر به خوبی نقش یهودیان آذربایجان را در روابط خارجی این کشور با کشورهای اروپایی و آمریکا نشان می دهد بنابراین احتیاج جمهوری آذربایجان به لابی صهیونیستی در مقابل لابی ارامنه در کنگره آمریکا، بستر حضور رژیم اشغالگر قدس در این کشور است. (bakutoday.net, 2003)

مرز مشترک جمهوری آذربایجان با ایران

اساساً از لحاظ بررسی زمینه های حضور یا نفوذ یک کشور در کشوری دیگر، هم مرز بودن می تواند عامل مهمی باشد از این رو مرز مشترک جمهوری آذربایجان با ایران به طول ۷۶۵ کیلومتر و شرایط و اقوام دو طرف مرز، بستر مناسبی برای نفوذ و اقدام اطلاعاتی در ایران است. در این راستا پوشش های معمول ارتباطی و اطلاعاتی بین دو کشور عبارتند از:

یک. تجارت و بازرگانی و همچنین تجارت چمدانی؛

دو. جهانگردی و ایرانگردی؛

سه. دیدار با اقوام و بستگان به خصوص در جدار مرز؛

چهار. تحصیل دانشجویان و طلبه ها؛

پنج. زیارت (از جمله در شهرهای مشهد مقدس و قم که با این پوشش امکان تردد آنان در عمق کشورمان نیز فراهم است)؛

شش. عوامل دیپلماتی در سفارتخانه و کنسولگری؛

هفت. معالجه و استفاده از خدمات درمانی؛ و

هشت. تهیه مواد غذایی و مایحتاج زندگی. (خلیلی، ۱۳۸۸: ۱۹۱)

بنابراین می‌توان گفت هم‌جواری و مرز مشترک آذربایجان با ایران بستر مناسبی برای حضور رژیم اشغالگر قدس در این کشور است.

قرار داشتن جمهوری آذربایجان در ژئوپلیتیک راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم اشغالگر قدس

راهبرد اتحاد پیرامونی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردهای امنیت ملی و سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس در گذشته - با توجه به اینکه این رژیم از جانب اعراب در محاصره قرار گرفته و کشورهای عربی با تشکیل آن مخالفت‌های شدیدی ابراز کرده بودند - بر ضرورت ارتباط با سایر بازیگران مسلمان غیرعربی منطقه مانند ترکیه و ایران یا کشورهای دارای هویت مسیحی مانند اتیوپی و همچنین اقلیت‌های قومی غیرعرب و غیرمسلمان مانند کردها و ارمنه استوار بود. هسته اصلی این راهبرد جهش به آن سوی حلقه کشورهای عرب متخاصمی بود که رژیم اشغالگر قدس را محاصره کرده بودند تا از این طریق در درازمدت، زمینه خروج رژیم اشغالگر قدس از انزوای سیاسی در منطقه، به‌وجود آمده و منافع اقتصادی و امنیتی آن در برابر کشورهای عربی تامین گردد (ساجدی، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

در راهبرد اتحاد پیرامونی جدید با توجه به دگرگونی ژئوپلیتیک منطقه پس از جنگ سرد، آغاز فرایند صلح اعراب و رژیم اشغالگر قدس و تداوم سیاست ضد اسرائیلی ایران و تبدیل آن به مهم‌ترین تهدید راهبردی اسرائیل، مکان جغرافیایی پیرامون از حاشیه دولت‌های عربی به مناطق هم‌جواری ایران تغییر یافته و حضور و نفوذ در نزدیکی مرزهای ایران و محاصره آن - به‌جای اعراب - در دستور کار سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس قرار گرفته است. رژیم اشغالگر قدس با توجه به اینکه جمهوری آذربایجان به دلایل خاص سیاسی، امنیتی، فرهنگی و تاریخی می‌تواند حجم قابل‌توجهی از ظرفیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به خود اختصاص دهد، این کشور را به‌عنوان نقطه عزیمت راهبرد «اتحاد پیرامونی جدید» خود قرار داده است. بر این اساس جمهوری آذربایجان از اهمیت ویژه‌ای در راهبرد امنیت ملی و سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس برخوردار شده است. (جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۵)

بنابراین می‌توان گفت قرار گرفتن جمهوری آذربایجان در ژئوپلیتیک راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم اشغالگر قدس بستر حضور این رژیم در جمهوری آذربایجان است.

ذخایر انرژی مناسب و قابل دسترسی

جمهوری آذربایجان از ذخایر نفت و گاز قابل توجهی برخوردار است، حوزه نفت و گاز خزر که جمهوری آذربایجان یکی از پنج کشور دارنده و مالک آن به شمار می‌رود، از حوزه‌های مهم نفت و گاز جهان به شمار می‌رود و بعد از خلیج فارس و روسیه بیشترین ذخایر انرژی فسیلی را در خود جای داده است. چاه‌ها و حوزه‌های نفتی شناخته شده و قابل بهره‌برداری جمهوری آذربایجان همگی در سواحل این کشور در دریای خزر قرار دارند، که مهم‌ترین آنها عبارتند از: چهار حوزه گونشلی، چراغ، آذری و کپز. میزان ذخایر نفت این حوزه‌ها بر اساس گزارش‌های مطالعاتی و آماری بریتیش پترولیوم انگلیس و اداره اطلاعات انرژی دریای خزر آمریکا، هفت میلیارد بشکه برآورد شده است. البته رقم‌های مختلف دیگری نظیر ۶،۱۲ و حتی ۲۷ میلیارد بشکه نیز درباره میزان ذخایر نفت این حوزه‌ها عنوان شده است. مهم‌ترین حوزه گاز طبیعی جمهوری آذربایجان هم حوزه شاه دنیز است که گفته می‌شود اکتشاف در این حوزه بزرگ‌ترین اکتشاف گاز جهان طی چند سال اخیر بوده است. میزان ذخایر گاز طبیعی این کشور نیز از ۷۰۰ میلیارد تا دو تریلیون مترمکعب برآورد شده است. (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۲۸)

وجود این مقدار از ذخایر انرژی در حوزه‌های نفت و گاز جمهوری آذربایجان باعث شده تا کشورهای نیازمند و دارای مصرف بالای نفت و گاز، توجه ویژه‌ای به این کشور کرده و برای بهره‌مندی از این ذخایر، اهمیت زیادی به روابط خود با باکو قائل شوند. رژیم صهیونیستی در جهت کاهش مشکلات اقتصادی خود و در راستای عملیاتی کردن طرح نیل تا فرات اقتصادی، با گسترش روابط با کشور نفت خیز جمهوری آذربایجان، نفوذ قابل توجهی پیدا کرده است. بر اساس آمار رسمی جمهوری آذربایجان حجم کل تجارت جمهوری آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس نزدیک ده میلیون دلار است و عمده‌ترین قلم صادراتی آذربایجان به رژیم غاصب صهیونیستی نفت است. رژیم اشغالگر قدس دومین کشور واردکننده نفت آذربایجان است. (غریایق زندی، ۱۳۸۷: ۲۴۳) در این میان شرکت صهیونیستی «سونول» از پرنفوذترین شرکت‌های استخراج نفت در عراق است. همچنین رژیم اشغالگر قدس با مشارکت در قرارداد تامین امنیت خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیحان و اعطای سالانه ۲۴ میلیون دلار به آذربایجان

و گرجستان در راستای انتقال انرژی به دریای مدیترانه، هم اکنون ۳۰ درصد از نیاز نفتی خود را از این طریق تامین می کند (جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۳۰) بنابراین ذخایر انرژی مناسب جمهوری آذربایجان در حوزه های نفت و گاز برای رفع احتیاج رژیم اشغالگر قدس به این منابع، بستری برای حضور این رژیم در جمهوری آذربایجان است.

جمهوری آذربایجان به عنوان سرحد تنازع غرب و روسیه در ژئوپلیتیک منطقه ای و قفقاز

روسیه همواره تسلط بر مناطق پیرامونی خود را از اهداف مهم خود تعیین نموده است. شرایط ژئوپلیتیک روسیه، عدم وجود قدرت های هم تراز در منطقه و ضعف قدرت های محلی همه از وجوه بارز تمایل به توسعه طلبی از طرف روسیه بوده است. نگرش روسیه به جمهوری آذربایجان با حساسیت بیشتری دنبال می گردد؛ زیرا این کشور محل برخورد و چالش قدرت های رقیب است. از این رو مسکو همواره برای این منطقه که محل تلاقی منافع آن با غرب است، اهمیت زیادی قائل است. روسیه سیاست های خود را به گونه ای تنظیم کرده است تا بر منابع انرژی و نیز خط لوله انتقال انرژی در منطقه تسلط داشته باشد. خط لوله انتقال نفت جمهوری آذربایجان از دوره شوروی، از مسیر روسیه عبور می کرد. هم اکنون روسیه در بسیاری از خطوط لوله انتقال انرژی منطقه سهام دار اصلی به شمار می رود. عملکرد روسیه در سال های گذشته حاکی از آن بوده که این کشور قصد دارد از انرژی به عنوان یک ابزار سیاسی در مقابل قدرت های منطقه ای و جهانی استفاده نماید. (ربیعی، ۱۳۸۹: ۳۹) آنچه که مسلم است، روسیه با اتخاذ سیاست، در صدد دور کردن قدرت های رقیب خارجی از منطقه است. حضور رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان به نیابت از غرب از آنجا که ممکن است در آینده با خروج آذربایجان از نفوذ روسیه همراه باشد، برای روس ها بسیار نگران کننده است. جهت گیری آذربایجان برای عضویت در ناتو و جهت گیری در راستای ساختارهای غربی نگرانی روسیه را تشدید می نماید. از سوی دیگر روسیه نیز با اتخاذ سیاست های امنیتی خاص خود، همواره در نگه داری و حفظ این کشور راهبردی در حوزه حیاط خلوت خود تلاش می نماید. به عبارتی می توان گفت آذربایجان سرحد تنازع غرب و روسیه در ژئوپلیتیک منطقه ای و قفقاز است. (فیروزی، ۱۳۸۹: ۹۹) بنابراین

تلاش برای حضور در حیات خلوت روسیه از بسترهای حضور رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان است.

امکان بهره‌برداری سیاسی به‌عنوان یک کشور مسلمان با اکثریت شیعه

از آنجایی که رژیم اشغالگر قدس تلاش می‌کند با کشورهای مسلمان میانه‌رو که به این رژیم به دیده دگرهویتی خود نمی‌نگرند رابطه برقرار نماید، آذربایجان از اولویت‌های اصلی این رژیم در منطقه است؛ و به‌دنبال ایجاد روابط مسالمت‌آمیز و به‌طور غایی اتحاد راهبردی با جمهوری آذربایجان است تا بتواند این کشور را در راستای سیاست‌های خود هماهنگ گرداند و بخش زیادی از فشارهای وارده به این رژیم در رابطه با نوع تعامل با دنیای اسلام از میان برود. این امر گذشته از ایجاد مشروعیت برای رژیم اشغالگر قدس، مناقشه فلسطین را نیز از بعد منطقه‌گرایی اسلامی خارج کرده و آن را تا حد یک مشکل سرزمینی و داخلی تقلیل خواهد داد. در واقع رژیم اشغالگر قدس به‌دنبال خارج کردن بعد اسلامی مبارزه با این رژیم و تضعیف عامل دین در مناقشه فلسطین است. جمهوری آذربایجان به‌عنوان یک کشور مسلمان با اکثریت شیعه می‌تواند انزوای رژیم صهیونیستی در خاورمیانه را با رابطه خود تحت تاثیر قرار دهد؛ بنابراین امکان بهره‌برداری سیاسی از آذربایجان به مثابه یک کشور مسلمان با اکثریت شیعه از بسترهای حضور رژیم اشغالگر قدس در این کشور است.

اندیشه حاکمان آذری برای کسب وجهه و مشروعیت مناسب منطقه‌ای و بین‌المللی

جمهوری آذربایجان در فرایند فعالیت‌ها و تحرکات دیپلماتی خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تلاش می‌کند بر حضور و اثرگذاری خود افزوده و به‌عنوان کشوری مورد توجه، ایفای نقش نماید. نقطه آغاز چنین رویکردی در سیاست خارجی آذربایجان به زمان حیدر علی‌اف بر می‌گردد. وی پس از به قدرت رسیدن در ۱۹۹۳، زمانی که موفق به برقراری آتش‌بس در جبهه‌های جنگ با ارمنستان در ۱۹۹۴ شد و گزینه مذاکره را - در برابر جنگ - برای حل بحران قره‌باغ برگزید، افزایش تحرک دیپلماتی کشورش در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی را به‌عنوان راهبرد اصلی باکو در روابط خارجی آذربایجان ترسیم کرد. امضای توافق‌نامه احداث خط لوله باکو - تفلیس - جیحان در ۱۹۹۴ با

مشارکت و سرمایه‌گذاری آمریکا و اروپا که در برخی محافل و رسانه‌ها به‌عنوان قرارداد قرن لقب گرفت، اولین گام عملی ورود باکو در مسیر ترسیم شده بود.

با به قدرت رسیدن الهام علی‌اف در ۲۰۰۳ و تکیه وی بر کرسی ریاست جمهوری آذربایجان به‌عنوان جانشین پدر، سیاست ترسیم‌شده توسط حیدر علی‌اف، بدون ذره‌ای تغییر یا انحراف پی‌گیری شد و در حال حاضر نیز با جدیت و انگیزه مضاعف دنبال می‌شود این کشور که از ۱۹۹۴ همکاری خود را با ناتو در قالب عضویت در «برنامه مشارکت برای صلح» آغاز کرده بود، در ۲۰۰۶ نیز طی توافقی وارد همکاری‌های دوجانبه با این پیمان نظامی شد در سطح منطقه‌ای نیز برقراری روابط راهبردی با ترکیه، اهتمام و اولویت اول رهبران آذربایجان محسوب می‌شود علاوه بر این، آذربایجان عضو «سازمان همکاری کشورهای حاشیه دریای سیاه» و «کشورهای ترک‌زبان» نیز هست و در چارچوب این دو تشکل منطقه‌ای نیز فعالیت دارد (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۵۴)

بنابراین اندیشه حاکمان جمهوری آذربایجان، برای کسب وجهه و مشروعیت بین‌المللی و تلاش در این راستا موجب نزدیکی این کشور به قدرتهای غربی شده است که خود بستری برای حضور رژیم اشغالگر قدس در این کشور است.

مساعد بودن آذربایجان برای فعالیت شرکت‌های چندملیتی و صهیونیستی

طی سال‌های اخیر شرکت‌های دولتی و خصوصی صهیونیستی در حوزه‌های مختلف اقتصادی از جمله نفتی و گازی، ساخت فرودگاه، گسترش راه‌آهن و صنایع الکترونیک در جمهوری آذربایجان فعال هستند و سهم بالایی در طرح‌های زیربنایی این کشور دارند به طور نمونه شرکت «یوسی گال» اسرائیل در طرح‌های انتقال نفت و گاز «باکو، تفلیس، جیحان» و «باکو، تفلیس، ارزروم» و همچنین خط آهن «باکو - تفلیس - قارص» از شرکای اصلی جمهوری آذربایجان است. اسرائیلی‌ها با کمک شرکت‌های اروپایی و آمریکایی به‌شدت در تلاشند تا شهر سومقائیت آذربایجان را که در ۲۰ کیلومتری باکو قرار دارد، به منطقه آزاد اقتصادی تبدیل کنند اجرای کامل این پروژه را رژیم اشغالگر قدس برعهده گرفته و قصد دارد نمونه‌ای از «دبی» در «خلیج فارس» را در «دریای خزر» احداث کند (موسسه ندا، ۱۳۸۹: ۲۴۸)

سرمایه‌گذاری در بخش سیستم تلفن همراه آذربایجان با نام باکسل به‌عنوان اپراتور دوم و یا سرمایه‌گذاری در پروژه استخراج و حمل‌ونقل نفت آذربایجان به رژیم اشغالگر قدس توسط شرکت سونول (این شرکت مسئولیت تامین سوخت ارتش آمریکا در عراق را نیز بر عهده داشت)، در دیدار مسئولان این شرکت از جمهوری آذربایجان در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۳ و ملاقات آنها با حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور وقت آذربایجان، ایشان با اشاره به اینکه در حال حاضر شرکت‌های نفتی متعددی از کشورهای جهان در منابع نفت و گاز جمهوری آذربایجان فعالیت می‌کنند، گفت: «ما خوشحال می‌شویم که یک شرکت اسرائیلی نیز در فعالیت‌های کشف و استخراج نفت و گاز در جمهوری شرکت کند.» در این دیدار رئیس شرکت نفتی رژیم اشغالگر قدس نیز با ابراز علاقمندی به فعالیت در جمهوری آذربایجان افزود: «ما در زمینه انتقال نفت و گاز طبیعی آذربایجان به ترکیه و از آن طریق به اروپا تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست.» رئیس‌جمهور آذربایجان با استقبال از پیشنهاد شرکت اسرائیلی اظهار داشت: «صادرات گاز طبیعی به اروپا از برنامه‌های بسیار مهم ما در آینده است که می‌توانیم با شرکت شما درباره انتقال گاز صادراتی به بازارهای اروپا مذاکره کنیم.» (Fas.org, 1997)

بخش عمده تامین امنیت خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیحان بر عهده شرکت‌های اسرائیلی گذاشته شد. در این راستا، سرویس اطلاعاتی رژیم اشغالگر قدس (موساد) و سرویس اطلاعاتی آذربایجان ضمن عقد قراردادهای دوجانبه در خصوص آموزش افسران آذری در رژیم اشغالگر قدس، اقدام می‌نمایند در این رابطه خبرگزاری ایرنا در سال ۱۳۷۴ اعلام کرد که یک هیئت اطلاعاتی رژیم اشغالگر قدس در اوت ۱۹۹۵ وارد باکو شد. ایرنا این دیدار را به‌عنوان مأموریتی محرمانه برای آموزش مأموران امنیتی جمهوری آذربایجان توصیف کرد. روزنامه *اوراسیا*، چاپ باکو در ۲۶ آوریل ۱۹۹۸ در گزارشی تحلیلی از فعالیت‌های رژیم اشغالگر قدس در آذربایجان علیه جمهوری اسلامی ایران نوشت: «افسران موساد در آذربایجان در راستای جلب همکاری اتباع ایرانی کشور آذربایجان فعالیت می‌کنند.» (BBC, 1995)

تسلط رژیم اشغالگر قدس بر یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین سیستم ارتباطی آذربایجان یعنی اپراتور دوم تلفن همراه این کشور که توسط شرکت اسرائیلی باکسل اداره می‌شود، زمینه

فعالیت این رژیم را آسان تر کرده است. با توجه به موارد اشاره شده در این بند می توان به این جمع بندی رسید که مساعد بودن جمهوری آذربایجان برای فعالیت شرکت های صهیونیستی و چندملیتی، بستری برای حضور رژیم اشغالگر قدس است.

نیاز به رژیم اشغالگر قدس به عنوان دروازه ورود به غرب به ویژه آمریکا و ناتو

پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، این کشور نزدیکی به غرب را بستر راهبرد بلندمدت خود قرار داده است و هم گرایی با غرب و پیوستن به ساختارهای اروپایی، جهت گیری و اولویت اول باکو در سیاست خارجی است و در این راستا، جمهوری آذربایجان در ۱۹۹۲، به عضویت سازمان امنیت و همکاری اروپا و در ۲۰۰۱، به عضویت پارلمان اروپا در آمد. این کشور از ۱۹۹۴، همکاری خود را با ناتو در قالب عضویت در «برنامه مشارکت برای صلح» آغاز کرد و در ۲۰۰۶ نیز طی توافق وارد همکاری های دوجانبه با این پیمان نظامی شد. در سطح منطقه ای نیز برقراری روابط راهبردی با ترکیه، اهتمام و اولویت اول رهبران آذربایجان محسوب می شود. (geocities.com, 2009)

عضویت و فعالیت در چارچوب «سازمان همکاری های منطقه ای گوآم» متشکل از اکراین، گرجستان، مولداوی و آذربایجان گزینه دیگر سیاست خارجی جمهوری آذربایجان است و در ارتباط با جهان اسلام نیز عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی و حتی المقدور استفاده از موقعیت این سازمان برای حل پاره ای از مشکلات نظیر مناقشه قره باغ برای این کشور اهمیت دارد علاوه بر این، آذربایجان عضو «سازمان همکاری کشورهای حاشیه دریای سیاه» و «کشورهای ترک زبان» نیز هست و در چارچوب این دو تشکل منطقه ای نیز فعالیت دارد البته برای خالی نبودن عریضه، این کشور با مدتی تأخیر در ۱۹۹۵، به عضویت «جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع» نیز که با فروپاشی شوروی اعلام موجودیت کرد، در آمد (میرمحمدی، ۱۳۸۷: ۵۴).

از طرفی جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور مسلمان می تواند انزوای رژیم صهیونیستی در خاورمیانه را با رابطه خود تحت تاثیر قرار دهد و این مساله برای آمریکا، حایز اهمیت است. از طرف دیگر، تل آویو در اتحادیه اروپا از نفوذ زیادی برخوردار است و می تواند

تمایل جمهوری آذربایجان در ورود به ناتو که از اهداف بلندمدت این کشور در نزدیکی به غرب محسوب می‌شود و با موانع عدیده‌ای روبه‌روست را حل کند. بنابراین احتیاج جمهوری آذربایجان به رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان دروازه ورود به غرب به‌ویژه آمریکا و ناتو، بستر حضور رژیم اشغالگر قدس در این کشور است.

جمهوری آذربایجان محملی مناسب برای بازیابی جایگاه منطقه‌ای رژیم اشغالگر قدس

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نقش رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان مانع توسعه نفوذ کمونیسم از بین رفت. همچنین به دلیل حمله صدام حسین به کویت و آغاز جنگ خلیج فارس و به‌دنبال آن ورود مستقیم نیروهای غربی به منطقه، نقش و جایگاه رژیم اشغالگر قدس در چارچوب راهبرد غرب مورد تردید قرار گرفت و مساله فرایند صلح اعراب و رژیم اشغالگر قدس و لغو تحریم‌های این رژیم از سوی پاره‌ای از کشورهای عربی نیز این مطلب را تقویت کرد. در واقع، فروپاشی شوروی اهمیت ژئوپلیتیک رژیم اشغالگر قدس را به‌عنوان جزیره امن و پایگاه قابل‌اعتماد غرب در خاورمیانه تقلیل داد. (غرایق زندی، ۱۳۸۷: ۲۱۶)

رژیم اشغالگر قدس برای بازیابی جایگاه منطقه‌ای خود با بزرگ‌نمایی خطر ایران و اسلام‌گرایی توانست نظر دولت آذربایجان را که به‌دلیل وجود زمینه‌های مذهبی و هم‌گرایی مردم کشورش و ایران از این ناحیه احساس خطر می‌نمود را جلب و به‌عنوان تهدید مشترک معرفی نماید. حضور رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان که حیاط خلوت یا خارج نزدیک روسیه محسوب می‌شود، موجب بازسازی موقعیت خود به‌عنوان متفق راهبردی آمریکا و بازیابی جایگاه منطقه‌ای رژیم اشغالگر قدس در سیاست خارجی آمریکا به‌عنوان هژمونی منطقه‌ای، گردید، بنابراین یکی از بسترهای حضور رژیم اشغالگر قدس در جمهوری آذربایجان، تلاش برای بازیابی جایگاه منطقه‌ای این رژیم در سیاست خارجی آمریکا با حضور در حیات خلوت روسیه یعنی جمهوری آذربایجان است.

حضور ترکیه و نقش تسهیل‌کنندگی برای تحکیم روابط آذربایجان با رژیم اشغالگر قدس
 با فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، هم‌پوشانی منافی میان رژیم اشغالگر قدس و ترکیه در راهبرد سیاسی امنیتی این دو برای حفظ و توسعه منافعی در آذربایجان و در قبال مناسبات سیاسی آنان با آمریکا است. این همکاری بر اساس منافع و نگرانی‌های مشترک ترکیه و اسرائیل در جمهوری آذربایجان شکل گرفته و تقویت شده است. در این میان ترکیه به علت حمایت کامل آمریکا از رژیم اشغالگر قدس، مقابله با نفوذ رقبای مشترک آنان به‌ویژه ایران و بهره‌گیری از توانایی‌های مشترک رژیم اشغالگر قدس و ترکیه، برای نفوذ در جمهوری آذربایجان به بسط روابط خود با رژیم اشغالگر قدس اقدام کرده است. از سوی دیگر رژیم اشغالگر قدس نیز در راستای توسعه نفوذ خود در خاورمیانه و قفقاز تلاش کرده است تا از طریق یک دولت منطقه‌ای و اسلامی به نفوذ بیشتری در کشورهای منطقه به‌ویژه جمهوری آذربایجان دست یابد و حساسیت دولت‌های منطقه نسبت به رژیم اشغالگر قدس را کاهش دهد. بر این اساس، ترکیه نقش اصلی، کلیدی و واسطه‌ای را در تقویت حضور این رژیم در منطقه به‌ویژه آذربایجان داشته است، به گونه‌ای که بسیاری از شرکت‌های صهیونیستی با پوشش فعالیت‌های تجاری شرکت‌های ترک وارد کشورهای این منطقه به‌ویژه آذربایجان می‌گردند (جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۱۰).

ادغام سرمایه و منابع مالی یهودی صهیونیستی با نفوذ فرهنگی، سیاسی و تاریخی ترکیه در منطقه قفقاز، نفوذ رژیم اشغالگر قدس در کشوری چون آذربایجان را تسهیل می‌کند. یک دیپلمات اسرائیلی در ترکیه می‌گوید: «رژیم اشغالگر قدس درصدد است در مورد سرمایه‌گذاری در قفقاز تنها با ترکیه شریک شود؛ زیرا رژیم اشغالگر قدس از مجرای بازرگانان و تجار ترک آسان‌تر به جمهوری‌های تازه‌استقلال یافته این منطقه راه خواهد یافت.» (غرایاق - زندی، ۱۳۸۷: ۲۲۲)

بنابراین می‌توان گفت نفوذ ترکیه در جمهوری آذربایجان تسهیل‌کننده حضور رژیم اشغالگر قدس در آذربایجان است.

جمهوری آذربایجان به‌عنوان دروازه ورود به قفقاز و آسیای مرکزی

رژیم اشغالگر قدس، آذربایجان را دروازه ورود به منطقه قفقاز و آسیای مرکزی و ترکیه را

واسطه این کار می‌داند و به همین جهت این رژیم با توسعه روابط اقتصادی خود با آذربایجان سعی دارد از آذربایجان به‌عنوان پل ارتباطی خود با کشورهای آسیای مرکزی استفاده کند؛ یعنی با راه‌اندازی صنایع نفتی و تولیدی کشورهای این منطقه تنها راه مطمئن جهت رسیدن این محصولات از دریای خزر و آذربایجان باشد؛ چرا که مسیرهای ایران به جهت غیرعملی بودن و داشتن روابط خصمانه ممکن نیست و مسیر افغانستان و پاکستان نیز به جهت عدم تامین امنیت لازم در زمان حال امکان ندارد. بنابراین تنها گزینه اقتصادی و قابل انجام مسیر آذربایجان است. به همین جهت صهیونیست‌ها با کمک آمریکا و شرکت‌های اروپایی به شدت در تلاشند تا شهر سومقائیت آذربایجان که در حدود ۲۰ کیلومتری باکو قرار دارد را به منطقه آزاد اقتصادی تبدیل کنند. اجرای این پروژه عظیم را شرکت‌های صهیونیستی برعهده دارند و رژیم اشغالگر قدس قصد دارد با اجرای این پروژه، منطقه سومقائیت آذربایجان را به منطقه آزاد دریای خزر مبدل سازد و نمونه‌ای از دبی در خلیج فارس را در دریای خزر احداث کند (موسسه نداء، ۱۳۸۹: ۲۴۸)

تحلیل توصیفی و استنباطی فرضیه

همسایگی با ایران، حاکمان سیاسی سکولار، امکان بهره‌برداری سیاسی از آذربایجان به‌عنوان یک کشور مسلمان با اکثریت شیعه مهم‌ترین بسترهای سیاسی جمهوری آذربایجان برای حضور رژیم اشغالگر قدس است.

داده‌های جدول شماره یک (جدول شاخص‌های آماری) نشان می‌دهد که میانگین، میانه و انحراف استاندارد توزیع به ترتیب ۴۰۱، ۴ و ۸۳ است. توزیع از کجی منفی برخوردار بوده و در نقطه اوج خود نسبت به توزیع نرمال دارای خوابیدگی است. کمینه و بیشینه نمرات نیز بین یک تا پنج در نوسان است. توزیع مربوط به فراوانی (جدول شماره دو) نیز نشان می‌دهد که ۶۰، ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان در حد زیاد و خیلی زیاد نسبت به محتوای فرضیه تحقیق نظر مساعدی دارند.

داده‌های جدول شماره سه نشان می‌دهد که ارزش‌های دوی مشاهده شده (۴۸۸،۵) در درجه آزادی چهار معنی‌دار است، در نتیجه استنباط می‌شود که فرضیه تحقیق تایید می‌شود.

داده‌های جدول شماره چهار (آزمون فریدمن) نشان می‌دهد که ارزش خی دوی مشاهده‌شده (۱۱۵۸۹) در درجه آزادی ۱۵ معنی‌دار است. در نتیجه بین میانگین‌های رتبه‌ای تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به طوری که سؤال دوازدهم با بالاترین ارزش میانگین رتبه‌ای (۱۲.۷۹) و سؤال هشتم با پایین‌ترین ارزش میانگین رتبه‌ای (۵.۷۹) قرار دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بدون تردید برای هر کشور و نظام سیاسی آن شناخت دقیق و واقع‌بینانه عواملی که موجودیت، امنیت و منافع حیاتی آن را تهدید می‌کند از اولویت اساسی برخوردار است زیرا این‌گونه تهدیدات به راحتی می‌توانند در راه حرکت عمومی و مسیر پیشرفت و توسعه یک جامعه، موانع جدی ایجاد نموده یا موجودیت و هویت ملی یک کشور را به مخاطره اندازند. جمهوری آذربایجان، به دلیل دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ممتاز، مورد توجه سیاسی، امنیتی و اقتصادی بازیگران فرامنطقه‌ای و متعارض با ایران از جمله رژیم اشغالگر قدس است.

نظریه اول که تحقیق پیش‌رو به صورت مشخص بر چارچوب آن استوار است، نظریه خاورمیانه جدید شیمون پرز می‌باشد که معتقد است به علت تضاد شدید کشورهای عربی مسلمان خاورمیانه با اسرائیل، امکان همکاری‌های سیاسی و اقتصادی با این کشورها میسر نیست و اسرائیل بایستی به دنبال کشورهای غیرعرب منطقه باشد.

نظریه دوم طرح پیرامونی که توسط استراتژیست‌های اسرائیلی در اوایل دهه ۱۹۵۰ اظهار گردید، به وضعیت کشور کوچکی که در بین همسایگان متخاصم بزرگ قرار گرفته است، اشاره دارد. در واقع رژیم اشغالگر کوچک هفت میلیونی در محاصره کشورهای چندصد میلیونی عرب خاورمیانه قرار گرفته و امکان داشتن روابط عادی اقتصادی و امنیتی با آنها را دارا نیست. بدین سبب بن‌گوریون، اولین نخست‌وزیر اسرائیل، و دیگر استراتژیست‌های اسرائیلی این‌گونه اظهار نمودند که اسرائیل به عنوان یک جزیره‌ای است در میان دریای مسلمان که می‌بایست از میان برخی کشورهای ساکن در حوزه خارج دنیای عرب برای خود دوستان و هم‌پیمانانی را پیدا نماید. محدوده طرح پیرامونی می‌تواند در طول زمان تغییر نماید (تقی پور، ۱۳۸۳: ۴۲۹).

با توجه به دیدگاه‌های نظری اشاره شده، بدون شک رژیم صهیونیستی به دنبال اخذ هم‌پیمانانی در ژئوپلیتیک راهبرد اتحاد پیرامونی این رژیم با اولویت مسلمان بودن است. با توجه به مباحث اشاره شده در این پژوهش، به نظر می‌رسد جمهوری آذربایجان واجد شرایط مناسب در طرح اتحاد پیرامونی جدید برای رژیم صهیونیستی است و حداقل‌های لازم را برای برقراری روابط دیپلماتیک مناسب و قابل تبلیغ برای آن رژیم دارد. نیازمندی‌های دو طرف را می‌توان به شرح زیر تلخیص نمود:

رژیم صهیونیستی بنا به دلایل کسب مشروعیت منطقه‌ای و خروج از انزوا، بهره‌مندی از منابع سرشار نفت و گاز جمهوری آذربایجان، وجود یهودیان در این کشور، هم‌جواری جمهوری آذربایجان با ایران به‌عنوان دشمن درجه یک این رژیم، پی‌گیری عادی‌سازی روابط با کشورهای مسلمان و غیرعرب به‌دنبال برقراری ارتباط با آذربایجان است که ظرفیت لازم برای حضور این رژیم را دارد. اما مهم‌ترین مسأله‌ای که در ذهن محقق نقش بست، این بود که جمهوری آذربایجان از چه بسترهایی برای حضور رژیم اشغالگر قدس برخوردار است؟ از این‌رو محقق تلاش نمود در قالب این تحقیق، به شناسایی و تبیین بسترهایی سیاسی جمهوری آذربایجان برای حضور رژیم اشغالگر در این کشور بپردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد متغیرهای زیر به‌عنوان اصلی‌ترین بسترهایی سیاسی جمهوری آذربایجان برای حضور رژیم اشغالگر قدس مشخص گردیدند:

- هم‌جواری و مرز مشترک جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران؛
- نوع نظام سیاسی جمهوری آذربایجان با حاکمیت اندیشه‌های سکولاریستی؛
- احتیاج مبرم آذری‌ها به ائتلاف (با هدف رفع بحران هویت منطقه‌ای)؛
- امکان بهره‌برداری سیاسی از آذربایجان به‌عنوان یک کشور مسلمان با اکثریت شیعه؛
- قرار داشتن آذربایجان در ژئوپلیتیک راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی (به‌ویژه ارتباط با ملل غیرعرب منطقه)؛
- نیاز جمهوری آذربایجان به متحدان راهبردی و بانفوذ برای بازپس‌گیری قره‌باغ (لابی صهیونیسم در برابر لابی آرامنه)؛
- ژئوپلیتیک خاص آذربایجان (قرار گرفتن در نقطه محوری چهارراه آسیای مرکزی، روسیه، خاورمیانه و اروپا)؛

- نیاز آذربایجان به کمک‌های علمی و تکنولوژیکی برای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی کشاورزی و نظامی؛

- نگاه رژیم صهیونیستی به آذربایجان به‌عنوان دروازه ورود به قفقاز و آسیای مرکزی؛
- مساعد بودن آذربایجان برای فعالیت شرکت‌های چندملیتی و صهیونیستی در حوزه‌های اقتصادی، فناوری و مخابرات؛

- نیاز آذربایجان به رژیم صهیونیستی به‌عنوان دروازه ورود به غرب به‌ویژه آمریکا و ناتو؛

- آذربایجان به‌عنوان سرحد تنازع غرب و روسیه در ژئوپلیتیک منطقه‌ای و قفقاز؛

- ذخایر انرژی مناسب و قابل دسترسی در آذربایجان؛

- اندیشه حاکمان آذری برای کسب وجهه و مشروعیت مناسب منطقه‌ای و بین‌المللی؛

- نقش تسهیل‌کنندگی ترکیه برای برقراری و تحکیم ارتباط آذربایجان با رژیم صهیونیستی؛ و

- آذربایجان محملی مناسب برای بازیابی جایگاه منطقه‌ای رژیم صهیونیستی پس از جنگ سرد.

منابع و یادداشت‌ها:

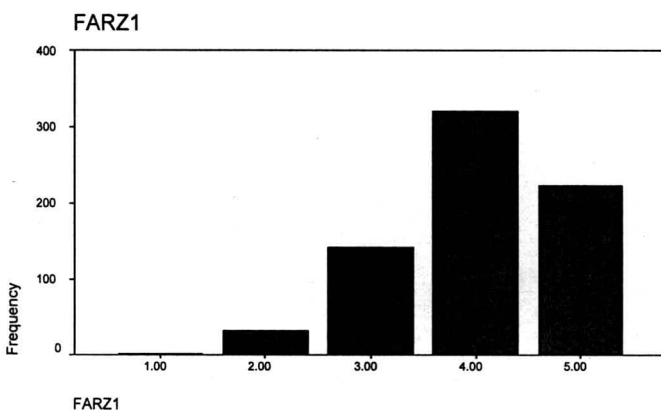
۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل*، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات راهبردی خاورمیانه
 ۲. افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱)، *ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات دوره عالی جنگ
 ۳. امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۶)، *کتاب سبز جمهوری آذربایجان*، تهران، نشر وزارت امور خارجه
 ۴. امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴)، *روابط ایران و جمهوری آذربایجان (نگاه آذری‌ها به ایران)*، تهران، نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول
 ۵. برندا، شیفر (۱۳۸۶)، *پژوهش راهبردی تحلیل برندا شیفر از دشواری‌های امنیتی ایران در منطقه آذربایجان*، ترجمه قدیر نصری، تهران، مرکز مطالعات کاربردی فارابی، چاپ اول
 ۶. تقی پور، محمد (۱۳۸۳)، *استراتژی پیرامونی اسرائیل*، تهران، نشر موسسه اطلاعات و پژوهش‌های سیاسی
 ۷. ساجدی، امیر (۱۳۹۰)، «طرح پیرامونی و همکاری آذربایجان و اسرائیل»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره ۱۶.
 ۸. ساوه درودی، مصطفی (۱۳۸۸)، *رژیم اشغالگر قدس و امنیت ملی*، تهران، مرکز مطالعات کاربردی فارابی.
 ۹. صفری نژاد، داریوش (۱۳۸۵)، «صهیونیسم مطبوعات آذربایجان»، *دوماهنامه ایراس*، شماره ۱۲.
 ۱۰. غرایاق‌زندی، داود (۱۳۸۷)، *محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
 ۱۱. حجت شملی، رضا (۱۳۸۸)، «اسرائیل در جستجوی هویت گمشده در آذربایجان»، *دوماهنامه ایراس*، شماره ۲۳.
 ۱۲. خلیلی، ابراهیم (۱۳۸۸)، *فعالیت اطلاعاتی جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده فارابی.
 ۱۳. کیانی، مرتضی (۱۳۹۰)، «کشور بیست‌ساله»، *ماهنامه زمانه*، شماره ۱۷.
 ۱۴. قربانی خالسرایی، عباس (۱۳۸۵)، «قوم‌گرایی و روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان»، پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم سیاسی.
 ۱۵. مؤمنی، قاسم (۱۳۸۳)، «کتاب خاورمیانه- جامعه یهودیان آذربایجان»، تهران، نشر ابرار معاصر.
 ۱۶. هاشمی، غلامرضا (۱۳۸۷)، «امنیت در قفقاز جنوبی»، تهران، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
 ۱۷. میرمحمدی، سیدرضا (۱۳۸۷)، «جمهوری آذربایجان در نگاهی گذرا»، *دوماهنامه ایراس*، شماره ۲۰.
18. Sajedi, Amir(2008), "Way Palestine-Israel Peasceis not eallingz?" *India Quarterly, A Journal of Affairs, Vol LXIV ,No 31.*
19. <http://borhan.ir>
 20. [http:// www.azernews.net](http://www.azernews.net)
 21. [http:// www.amyisrael.co.il](http://www.amyisrael.co.il)
 22. [http:// www.Bajutoday.net](http://www.Bajutoday.net)

جدول یک. شاخص‌های آماری فرضیه

N	Valid	720
	Missing	0
	Mean	4.0167
	Std. Error of Mean	03126.
	Median	4.0000
	Mode	4.00
	Std. Deviation	83874.
	Variance	70348.
	Skewness	556.-
	Std. Error of Skewness	091.
	Kurtosis	210.-
	Std. Error of Kurtosis	182.
	Range	4.00
	Minimum	1.00
	Maximum	5.00
	Sum	2892.00

جدول دو. توزیع فراوانی فرضیه

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	1.00	1	.1	.1	.1
	2.00	33	4.6	4.6	4.7
	3.00	142	19.7	19.7	24.4
	4.00	321	44.6	44.6	69.0
	5.00	223	31.0	31.0	100.0
	Total	720	100.0	100.0	



**Chi-Square Test
Frequencies
FARZ**

جدول سه. آزمون خی دو

	Observed N	Expected N	Residual
1.00	1	144.0	-143.0
2.00	33	144.0	-111.0
3.00	142	144.0	-2.0
4.00	321	144.0	177.0
5.00	223	144.0	79.0
Total	720		

Test Statistics

	FARZ
Chi-Square(a)	488.500
df	4
Asymp. Sig.	.000

a 0 cells (.0%) have expected frequencies less than 5. The minimum expected cell frequency is 144.0.

جدول چهار. آزمون فریدمن

Mean Rank	بسترهای سیاسی جمهوری آذربایجان
۱۱.۰۷	نوع نظام سیاسی جمهوری آذربایجان با حاکمیت اندیشه‌های سکولاریستی
۹.۷۳	احتیاج مبرم آذری‌ها به ائتلاف (با هدف رفع بحران هویت منطقه‌ای)
۹.۶۳	قرار داشتن جمهوری آذربایجان در ژئوپلیتیک راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی (به ویژه ارتباط با ملل غیر عرب منطقه)
۹.۷۰	امکان بهره‌برداری سیاسی از جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور مسلمان با اکثریت شیعه
۸.۵۹	نیاز به لابی رژیم اشغالگر قدس در مقابله لابی ارامنه
۷.۷۷	نیاز جمهوری آذربایجان به رژیم صهیونیستی به عنوان دروازه ورود به غرب به ویژه آمریکا و ناتو
۷.۴۰	ذخایر انرژی مناسب و قابل دسترسی در جمهوری آذربایجان
۵.۷۹	جمهوری آذربایجان محملی مناسب برای بازیابی جایگاه منطقه‌ای رژیم صهیونیستی پس از جنگ سرد
۸.۱۲	مساعد بودن آذربایجان برای فعالیت شرکت‌های چندملیتی و صهیونیستی در حوزه‌های اقتصادی، فناوری و مخابرات
۹.۲۴	ژئوپلیتیک خاص جمهوری آذربایجان (قرار گرفتن در نقطه محوری چهارراه آسیای میانه، روسیه، خاورمیانه و اروپا)
۸.۶۷	نیاز ج آذربایجان به کمک‌های علمی و تکنولوژیکی برای تقویت زیر ساخت‌های اقتصادی کشاورزی و نظامی
۱۲.۷۹	همجواری و مرز مشترک ج آذربایجان با ج.ا.ا
۷.۵۷	جمهوری آذربایجان به عنوان سرحد تنازع غرب و روسیه در ژئوپلیتیک منطقه‌ای و قفقاز
۷.۰۶	اندیشه حاکمان آذری برای کسب وجهه و مشروعیت مناسب منطقه‌ای و بین‌المللی
۶.۰۸	نقش تسهیل‌کنندگی ترکیه برای برقراری و تحکیم ارتباط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی
۸.۳۲	نگاه رژیم صهیونیستی به جمهوری آذربایجان به عنوان دروازه ورود به قفقاز و آسیای میانه

Test Statistics(a)

N	45
Chi-Square	115.893
df	15
Asymp. Sig.	.000.

a Friedman Test